



بازنشر منویات امام و رهبری در قالب سوال هایی که امروز شاید در ذهن عموم جامعه باشد مطرح می‌شود تا مردم در کشور بدانند آنچه به نام امام گفته می‌شود با آنچه امام خود گفته است متفاوت است.این روزها که حتی انگلیس از برخی لیست‌ها حمایت می‌کند و برخی که مدعی همراهی با امام(ره) هستند نیز در این لیست‌ها حضور دارند، بازخوانی مواضع امام و رهبری درباره مجلس کارآمد ضروری به نظر می‌رسد.

■ برای جلوگیری از شکل‌گیری طبقه اشراف در جامعه رعایت چه نکاتی لازم است؟

مقام معظم رهبری: آقایان و خانم‌های نماینده سعی کنند مردمی بمانند. مردمی بودن هم فقط این نیست که انسان هر از گاهی به محل انتخابات سسر بزند.البته آن خیلی لازم است، باید رفت، سر زد، با مردم ملاقات کرد، منقطع از مردم نباید شد؛ در این شکی نیست؛ اما فقط این نیست.نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه جدید، یک طبقه برخوردار اشراف جدید. نباید بگذاریم این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است.

■ در چه صورت سسر نماینده و هر فرد دیگری که مسؤول می‌خواهد بشود در مملکت کلاه رفته است؟

مقام معظم رهبری: اگر هدف ما از نمایندگی مجلس و از مسؤولیت‌های دولتی و از تکیه زدن بر مناصب و مستندهای گوناگون… همین نشان ظاهری و برخورداری‌های ظاهری باشد… بدون شک سرمان کلاه رفته است؛ یکی از نام‌های دارای افتخار در تاریخ ما – به همان اندازه‌ای که واقعیت دارد – امیرکبیر است.امیرکبیر در کشور ما ۳ سال در رأس دولت بوده است. معلوم می‌شود ۳ سال وقت خیلی زیادی است. همه کارهایی که امیرکبیر انجام داده و همه خاطرات خوبی که تاریخ و ملت ما از این شخصیت دارد، محصول ۳ سال است. بنابراین ۴ سال، وقت کمی نیست – وقت خیلی زیادی است – به شرط اینکه از همه این وقت به نحو درست استفاده شود.

■ چطور می‌شود در جامعه اسلامی، شأن و شخصیت انسانی نقض می‌شود؟

مقام معظم رهبری: امروز در بعضی گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از ایسن که انسانی، رئیس عالیه‌ای، پدر خانواده‌ای و در جامعه‌ای با انگیزه خدمت وارد حوز می‌شود، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صحیح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسؤول دیگر نامه بنویسد که من ۲ ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام!

یک وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمی‌خوریم؛ یک وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمی‌کنیم؛ یک وقت ایام عید که می‌شود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تن نمی‌کنند. در این حالت کسی احساس سرشکستگی نمی‌کند – الجلیه اذا عمت طابت – اما وقتی همه چیز هست، وقتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصت‌های نامشروع توانسته‌اند برای خودشان آلف و الوف و زندگی‌های تجملی فراهم کنند، وقتی طبقاتی در جامعه هستند که برای‌شان پول خرج کردن هیچ اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین آنها زرمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت و معلمان و روستاییان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه‌های‌شان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیت و شرف انسانی از این بالاتر

پاسخ‌هایی از امام^(ره) و رهبر معظم انقلاب به سؤالاتی درباره مجلس آمد و انقلابی

نماینده مردم یا نماینده اشراف

اینها هم روشن شود، باید ثابت شود.

مردم باید چشم‌ها را باز کنند، ملفت باشند.

۱۳۹۰/۰۱/۱۹

■ نمایندگان که به مجلس راه پیدا می‌کنند باید از لحاظ معیشت و وضع زندگی چگونه باشند؟

مقام معظم رهبری: من فیلمی که دیشب از مرحوم رجایی گذاشته بودند و منزش را نشان می‌دادند – یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این‌ را – بعضی از اشخاصی که پیش من بودند، می‌گفتند ما رقتیم منزل آقای رجایی، این خوب نشان می‌دهد، آنجا به این اندازه نیست؛ واقع مطلب این طور نیست. این یک چیز بزرگی کأنه نشان دارد می‌دهد و حال آنکه ما که رقتیم منزل‌شان دیدیم که، مساله این‌طور هم نیست. وقتی بنا شد یک نفر رئیس‌جمهور شده یا یک نفر نخست‌وزیر است، اما منزش آنطوری است و وضع عادی‌اش این‌طوری است، این دیگر نمی‌شود که از یک قدرت بزرگی بترسد. برای چه بترسد؟ این را که از او نمی‌گیرند. این باید بترسد که می‌خواهد چپاول کند و می‌خواهد یک حکومت کنایی بکند، آن باید بترسد. اما رجایی – خدا رحمتش کند – و امثال اینها و بهتر و اینهایی که ما از دست دادیم، اینطور نبود که زندگی‌شان جوری باشد که مبدا یک وقتی از دست ما برود؛ خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را بیشترش بکنند زور گویی کنند به مردم.

این یک عنایتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت کرد، و از خود مردم، از خود این توده‌ها، از بازار – نمی‌دانم – از کوجه‌ها و خانه‌ها، افراد منعبث شدن و حکومت تشکیل دادند. وقتی از بازار، هر صد حکومت را تشکیل دادند، می‌دانند که بازار وضعیت چه‌جوری است. وقتی که از بین خود مردمی که مرفه نیستند، اینها آمدند و خودش‌ان هم نظیر آنها هستند، اینها به درددل مردم می‌توانند برسند. من اینکه عرض می‌کنم نمی‌خواهم از شما تعریف کنم، برای اینکه می‌ترسم تعریف کنم. این برای این است که تنبه بدهیم؛ تنبه بدهم به اینکه تا وضع این طوری است حکومت برقرار است، حکومت اسلامی برقرار است. تا وضع دولت، مجلس – نمی‌دانم – ارتش، رؤسای ارتش، فرماندهان، همه جا این وضع است که می‌بینیم الان و مشاهده می‌کنیم، شما خوف از اینکه یک آسیبی این جمهوری اسلامی به آن برسد، از این خوف نداشته باشید.

■ پرهای که نماینده از ۴ سال نمایندگی‌اش می‌برد چه چیزی باید باشد؟

مقام معظم رهبری: ۴ سال خدمت. آنچه شما باید از این ۴ سال بهره ببرید، پولی نیست که به دست می‌آید، یا احترام و شعاری که به نفع شما داده می‌شود، یا سرشناسی شدن و به دست آمدن جاه و معروفیت، یا نام چنین و چنان. آنچه از این ۴ سال در چه اول باید مورد توجه و همت ما باشد، این است که وقتی در پیشگاه خدای متعال حاضر شدیم – که خیلی هم زود خواهد بود؛ یعنی اگر شما ۱۰۰ سال هم عمر کنید، خیلی زود خواهد گذشت؛ واقعا وقتی انسان گذر عمر را نگاه می‌کند، می‌بیند خیلی سریع گذشته؛ ما غافلیم که خیال می‌کنیم طول می‌کشد؛ نه! به سرعت برقی می‌گذرد – ذخیره‌ای را در دستمان خواهیم داشت و آن، چهار سال خدمت و کار است.

■ مبنای عمل نمایندگان باید چه باشد؟

امام خمینی: روی قانون عمل بکنند. این قانونی که ملت برایش رای داده است. رای نداده است که توی طاقچه بگذارید و با کرای به آن نداشته باشید، بروید مشغول کار خودتان بشوید. این قانون باید دست همه باشد و همه حدود را قانون معین بکند. قانون برای مجلس حدود معین کرده است، تخلف از این حدود نشود. برای رئیس‌جمهور تحدید کرده، حدود قرار داده، او هم تخلف نکند. برای نخست‌وزیر و امثال اینها و دولت‌ها حدود معین کرده. آنها هم نباید خارج بشوند. هر که خارج بشود از حدود، باید این را تنبه بدهند، هدایت کنند آن را.
۱۳۵۹/۳/۴

■ اگر کسی بگوید من قانون را قبول ندارم، آن وقت تکلیف چیست؟

امام خمینی: نمی‌شود از کسی پذیرفت که ما قائلون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری؟ قانون تو را قبول ندارد. نباید از مردم پذیرفت، از کسی پذیرفت، که ما شورای نگهبان را قبول نداریم. نمی‌توانی قبول نداشته باشی. مردم رای دادند به اینها، مردم ۱۶ میلیون تقریبا یا یک قدری بیشتر رای دادند به قانون اساسی. مردمی که به قانون اساسی رای دادند منتظرند که قانون اساسی اجرا بشود؛ نه هر کس از هر جا صحت بلند می‌شود بگوید من شورای نگهبان را قبول ندارم، من قانون اساسی را قبول ندارم، من مجلس را قبول ندارم، من رئیس‌جمهور را قبول ندارم، من دولت

را قبول ندارم. نه! همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو بر خلاف رای شما باشد. باید بپذیرید، برای اینکه میزان اکثریت است.
۱۳۶۰/۳/۱۶

■ مردم بیشتر قانونگرا هستند یا مسؤولان؟

امام خمینی: این مردم بیچاره همه چیز را قبول دارند؛ این من و شما هستیم که هر جا بر خلاف مصلحت ما باشد اساس را می‌گوییم قبول نداریم. هر جا هر کس بر خلاف من است این اصلا مسلمان هم نیست و هر که بر وفق من است، اگر شمر هم باشد، این ابودر است!
۱۳۶۰/۳/۱۶

■ مرز میان خدمت کردن یا خیانت کردن به مردم در چیست؟

امام خمینی: وقتی بنا شد ما به تکلیف‌مان عمل بکنیم، و ما آن راهی را که خدای تبارک و تعالی پیش پای ما گذاشته است آن راه را برویم، برای ما شکست هیچی نیست. برای اینکه از دو حال خارج نیست: یا این است که ما پیش می‌بریم که شکست هیچ نیست، و یا این است که نه، می‌آیند و ما را عقب می‌زنند، ما تکلیف‌مان را عمل کرده‌ایم، چه شکستی است؟ سیدالشهدا علیه‌السلام هم شکست خورد در کربلا، اما شکست نبود این. کشته شد و زنده کرد یک عالمی را. امیرالمومنین علیه‌السلام هم در جنگ‌ها، در جنگ صفین شکست خورد، لکن شکست نبود این. او به خدمت اسلام بود و برای خدا کار می‌کرد. کسی که برای خدا کار بکند، هیچ وقت شکست تویش نیست، برد همیشه با آنهاست. شما توجه داشته باشید که به اسلام خدمت کنید و به کشور خودتان خدمت کنید. شما وکیل مردمی هستید که همه اسلام را می‌خواهند، و همه کشور خودشان را می‌خواهند. و شما باید برای این ملت خدمت بکنید، به آن چیزی که شما را وکیل کرده است خدمت بکنید. اگر انحراف پیدا کنید بر خلاف ملت، خیانت کرده‌اید به وکالتی که دارید.

۱۳۵۹/۳/۴

■ انتخابات نزدیک است و هیاهو و غوغاسالاری برخی نمایندگان و کاندیداها فضا را پر کرده. در این فضا که شاید غبار آلود به نظر برسد چه باید کرد؟

امام خمینی: این هیاهوها که در عالم هست، اینها همیشه بوده است و همیشه هم خواهد بود، لکن آن که باقی است خداست و اعتماد به خدا، شما این اعتماد را حفظ کنید و مشکلات را با تدبیرهایی که دارید حل کنید. و امیدوارم که خداوند همه را تایید کند. وقتی برای خدا باشد تایید می‌کند. وقتی کار برای خدا باشد، ما چه پیروز بشویم چه نشویم، کارمان برای خداست، ما تکلیف ادا کردیم.

ما می‌خواهیم تکلیف‌مان ادا بشود، دنبال این نیستیم که ما می‌منصبی به دست بیآوریم، شماهنیستید. وامی‌دانیم که از عهده شکر خدا نمی‌توانیم به در بیاییم. من خودم را عرض می‌کنم؛ من شهادت می‌دهم که خودم تاکنون ۲ کمت نماز برای خدا نخواندم، هر چه بوده برای نفس بوده. دلشلی هم این است که چنانچه در بیاییم. من خودم را عرض می‌کنم؛ من شهادت می‌دهم که خودم تاکنون ۲ کمت نماز برای خدا نخواندم، هر چه بوده برای نفس بوده. دلشلی هم این است که چنانچه جنت و ناری نباشد، آیا ما باز همان‌طور مشغول می‌شویم که دعا یا خیر؟ دعای ما آنی که هست برای این است که خدای تبارک و تعالی به ما

عنایت کند و به ما روزی کند بهشت را و محترز کند از جهنم. آنی که غایت آمال ماست همین است و الا برای خدا آن وقت معلوم می‌شود که اگر کلید بهشت و جهنم را به شما بدهند و بگویند که شما مختارید و هیچ کس از شما به جهنم نمی‌رود، هیچکس از شما هم از بهشت محروم نیست، آن وقت آیا ما باز قیام می‌کردیم به دفع شهوات؟ قیام می‌کردیم به خواندن نماز؟ اینها پیش خود ماست. من خودم می‌دانم که نیست این جور؛ نیستم این‌طور.
۱۳۶۶/۱۲/۱۳

■ قانون‌هایی که در مجلس تصویب می‌شود، کدام قشر جامعه را باید در بر بگیرد؟

امام خمینی: امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در راس برنامه قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرح‌هایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، متأثر از دیون خودتان را به این طبقه عزیز که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی

را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آورده‌اند، ادا کرده باشید.
۱۳۵۹/۴/۷

■ جایگاه مجلس در میان دیگر قوا در حکومت چگونه است؟

امام خمینی: من تکرار می‌کنم مجلس بالاترین مقام است در این مملکت. مجلس اگر رای داد و شورای نگهبان هم آن رای را پذیرفت، هیچکس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید. من نمی‌گویم رای خودش را نگوید؛ بگوید رای خودش را بگوید؛ اما اگر نخواهد فساد کند، به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است، و مفسد است یک همچو آدمی، تحت تعقیب مفسد فی‌الارض باید قرار بگیرد. این مجلس ما حاصل خون یک جمعیتی است که وفادار به اسلام بودند؛ و این مجلس عصاره زحمت‌های طاقت‌فرسای این ملت مسلمان بوده است؛ این مجلس فراهم آمده از «الله اکبر» های مردم است؛ اگر بنا باشد این مجلس فراهم‌آمده از «الله اکبر» مردم قدمی برخلاف اسلام بگذارد، این مجلس، مجلسی خواهد بود که برخلاف مسیر مسلمین عمل کرده. با تمام قدرت، بدون اینکه ملاحظه از احدی و از مقامی بشود، مجلس باید مسائل را طرح بکند. و رد و بدل و انتقاد صحیح بدون جار و جنجال، بدون هیاهو، مسائل را بگویند. کسی که مخالف است مخالفت خودش را بدون هیاهو بگوید. آن که موافق است موافقت خودش را بدون جار و جنجال بگوید. و بعد هم رای بگیرند. وقتی رای گرفتند، اگر اکثریت رای داد، و بعد هم برده شد پیش شورای نگهبان و آنها هم صحیح دانستند این رای را، مخالف اسلام ندانستند و مخالف قانون اساسی ندانستند، اگر بعدها بخواهند سیطنت بکنند، این سیطنت‌ها از مبادی غضب، از مبادی فاسد، بیرون می‌آید. باید سر تسلیم به مجلس، یعنی سر تسلیم به اسلام و وقتی مخالف اسلام نیست، سر تسلیم به اسلام فرود آورد. روش‌های غیراسلامی را، اگر هم در باطن – خدای نخواست – دارند، نباید دیگر اظهار بکنند و نباید اذنان مردم را نسبت به مجلس مششوش کنند. این یک مسأله‌ای است

اساسی، و باید همه توجه داشته باشند. به مجرد اینکه یک مطلبی برخلاف رای یک نفر است، نباید بگویند مجلس درست نیست.
۱۳۶۰/۳/۱۶

■ رگاتی که شامل حال نظام اسلامی و عموم ملت شده است، متأثر از کدام تفکر و دیدگاه و کدام نوع زندگی است؟ آن نوع زندگی که مایه سعادت بشریت می‌شود چطور محقق می‌شود؟

امام خمینی: آن مقداری که برکات از کوخ‌ها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخ‌ها پیدا نمی‌شود. ما یک کوخ ۴-۵ نفری در صدر اسلام داشتیم، و آن کوخ طافمه زهرا سلام‌الله‌علیها است. از این کوخ‌ها هم محقرتر بوده لکن برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت و بسپار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد. این کوخ‌نشینان در کوخ محقر، در ناحیه معنویات آن قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتی‌ها هم به آن نمی‌رسد؛ قدر و جنبه‌های تربیتی آن قدر بوده است که هرچه انسان می‌بیند برکات در بلاد مسلمین هست و بویژه در مثل بلاد ماها، اینها از برکت آنهاست. خود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که در راس همه واقع است زندگی کوخ‌نشینانی داشته است. خیال نشود که یک اتاق، حتی یک اتاق نظیر اتاق متوسط این جامعه داشته‌اند. چند تا حجره داشته‌اند، حجره‌های محقر. و این شخص عالی‌مقام از همین محقر نورش به ملک و ملوکوت افتاده است و سعه تربیتش در تمام جهان توسعه پیدا کرده است.

■ چگونه می‌شود مجلس به سمت انحراف از آرمان‌های اصیل انقلاب تمایل پیدا می‌کند؟

امام خمینی: هر امری کم‌کم به انحراف کشیده می‌شود و چنین نیست که یکدفعه انحراف واقع شود. در خود انسان نیز چنین است که شیطان و نفس اماره بتدریج از عمل به مکروهات و بعد از آن به صغایر و از آنجا به بالاتر انسان را منحرف می‌کنند. در مجلس سابق دوره اولش بهتر بود، لکن در هر سال چیزی به آن اضافه و یا از آن کم شد تا رسید به آنجا که مجالس اخیر را دیدیم. شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود. البته باید علاقه‌مان باشد که مساله حاد‌ی پیش نیاید.
۱۳۶۲/۸/۱۴

جای غیرت جلال خالی…

تقی دزاکام: «روزگاری بود و حزب تودهای بود و حرف و سخنی داشت و انقلابی می‌نمود و ضداستعمار حرف می‌زد و مدافع کارگران و دهقانان بود و چه دعوی‌های دیگر و چه شوری انگیزخته بود و ما جوان بودیم و نمی‌دانستیم که سر نخ دست کیست و جوانی‌مان را می‌فرسودیم و تجربه می‌اندوختیم.

برای خود من، «اما» روزی شروع شد که مأمور انتظامات یکی از تظاهرات حزبی بودم که به نفع مأموریت «کافتا رادزه» برای گرفتن امتیازاً نفت شمال راه انداخته بودیم (سال ۲۳ یا ۲۴)؛ ۵۱ آبان ۱۳۳۳]. مخبرالدوله با بازویند انتظامات چه فخرها که از در حزب (خیابان فردوسی) تا چهارراه سیدهاشم و بازویند را سوت کرد.»

اینکه کسانی در یک انتخابات یا در یک کنش سیاسی، آرا و نظرات متفاوتی داشته باشند، نه‌تنها بد نیست بلکه لازمه انتخاب و گزینش کردن است. چیزی که بد است این است که کنشگر سیاسی، اگر به هر دلیلی از ابتدای راه متوجه نشده باشد، اما در ادامه راه مینند دشمنان کشورش، دشمنان ملتش بویژه آنها که نام و نشان‌دارتر هستند، مشخصاً و با تأکید دارند از مسیری که او می‌رود، حمایت جدی می‌کنند. اینجاست که اگر مختصر غیرتی داشته باشد باید راهش را از دشمنان جدا کند و عکس‌خواست او که عمل کند این موضوع انقدر بدیهی است که حتی اگر رهبر معظم انقلاب هم نسبت به آن هشدار شدید نداده بودند، عقل سلیم و هوشیاری حدافلای هر کسی آن را تصدیق می‌کرد.

در این زمینه، آنچه جلال آل احمد – چهره جوادان ادب و سیاست کشورمان – در خاطره تکان‌دهنده فوق که در جلد دوم کتاب «در خدمت و خیانت روشن‌فکران» نوشته، آورده است، نمونه روشن و واضیحی است از دخالت یافتن عنصر «غیرت» در یک کنش سیاسی.

اینکه بنگاه رسانه‌ای روپه پیر – که بعد است کسی که مختصر ورودی به تاریخ سیاسی سده اخیر و حتی سال‌های جاری داشته باشد، از نقش استعماری، سلطه‌جویانه و فتنه‌گرانه حاکمان و سیاستمداران لندن‌نشین بی‌خبر باشد – در اکثر برنامه‌ها و نشست‌ها و گفت‌وگوها و میزگردهایش تأکید عجیبی داشته باشد که عیناً به فهرست … از انتخابات مجلسین خبرگان و شورای اسلامی رأی بدهید و بدتر از آن، با صراحت اعلام و درخواست کند که حداقل به ۳ نامزد شاخص … یعنی آقایان …، … و… «به هیچ وجه» رأی ندهید، آیا نباید رگ غیرتی را بچیناند و حواسی را به جای خود برگرداند و تصمیمی را تغییر دهد؟

چه کسی به یاد می‌آورد که در طول این ۳۸ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رسانه‌های استکباری بویژه «بی‌بی‌سی»، مردم را به شرکت در انتخابات تشویق و تهییج کرده باشند؟ حتی در فتنه ۸۸ هم تا مدت‌ها این شبکه‌های نظام سلطه بر تحریم انتخابات پای می‌فشردند و تنها وقتی که دیدند حمایت‌های‌شان از سران بازی خورده فتنه جواب داده و آنها حاضر به هیچ‌گونه غیرتی شدن و اعلام برانگی از غرب و حتی سران اسرائیل و بهاییان و تروریست‌های گروهک ریگی و… نیستند، آشکارا بر حمایت خود از آنان تأکید کردند، اما چسرا در این انتخابات، با این صراحت و با این وقاحت از یک فهرست حمایت می‌کنند و چرا تاکنون هیچ کدام از اعضای حاضر در آن فهرست‌ها تودنی محکمی به این دشمنان آشکار نزده است؟

اگر جلال هم امروز بود با آن زبان حقگو و صریحش چگونه جواب عناصری که این روزها آرزو می‌کنیم کمی غیرت داشته باشند را می‌داد. افسوس… جای جلال خالی…

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

